

اشاره:

رهیافت ساختارگرایانه (Structuralistic approach) نوعی نقد است که تنوع و عمق ادبی را به همراه دارد، لذا ما می‌توانیم به منظور یافتن بیانی تازه و دیدگاهی نوین از آن استفاده کنیم. در این نقد ارتباطهای موجود میان عناصر ساختاری یک یا چند اثر ادبی که از یک گونه (genre) باشند، کشف می‌شود و مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. مهمترین خصوصیت ساختارهای کیفیت «میان‌نظمی» (interdisciplinary) آنهاست. کیفیت میان‌نظمی کمک

ساختارگرایی (Structuralism) به عنوان یک مکتب جدید، این امکان را فراهم می‌سازد که انسان بتواند با جهان اطراف خود به نگرشی عمیقتر برخورد کند. روش ساختارگرایانه (Structuralistic method) تا کنون مانند سایر روشهای علمی در زمینه‌های مختلف به کار گرفته شده است. در زبان‌شناسی (فردینانده و سوسور و رومن یاکوبسن)، انسان‌شناسی (لوی استراس)، روان‌شناسی، تاریخ هنر، موسیقی‌شناسی و نهایتاً در ادبیات از این روش استفاده شده است.



In me thou seest the twilight of such day  
 As after sunset fadeth in the west,  
 Which by and by black night doth take away,  
 Death's second self, that seals up all in rest.  
 In me thou seest the glowing of such fire  
 That on the ashes of his youth doth lie.  
 As the death-bed whereon it must expire,  
 Consumed with that which it was nourished by.  
 This thou perceiv'st, which makes thy love more strong.  
 To love that well which thou must leave ere long.

- C می‌نماید که مفهوم يك اثر فقط توسط ارتباطات موجود در بین تمام  
 D عناصر همان اثر تعیین گردد. بنابراین از نظر يك ساختارگرا  
 C (Structuralist) مفهوم، چیزی نیست که در درون یا پشت يك پدیده  
 D به‌طور مستقل و مختص نهفته باشد. رهیافتی که شخص انتخاب  
 E می‌کند، بستگی به نوع سؤالی دارد که مایل است بدان پاسخ گوید.  
 F هدف از نوشتن این مقاله دستیابی به ترجمه عمیقتر و صحیحتر  
 E از غزلواره (sonnet) ۷۳ ویلیام شکسپیر است که با استفاده از روش  
 F مذکور حاصل می‌گردد. در بخشهای الف و ب این مقاله ترجیه  
 G ساختارگرایانه ترجمه غزلواره ۷۳ مطرح می‌شود. G

### Sonnet 73

### طرح قافیه

ترجمه:

«در آن زمان از سال، تو مرا چون درختی نظاره خواهی کرد.  
 زمانی که برگهای زرد، هیچ و یا چندتایی  
 از شاخه‌هایی که در سرما به خود می‌لرزند، آویخته باشند،  
 شاخه‌های برهنه و بی‌حیاتی که زمانی بر آن پرندگان خوش‌الحان  
 تا دیرگاه نغمه‌سرای می‌کردند.»

- A That time of year thou mayst in me behold  
 B When yellow leaves, or none, or few, do hang  
 A Upon those boughs which shake against the cold,  
 B Bare ruined choirs where late the sweet birds sang.

• عباس ابراهیمی

# سونات ۷۳ شکسپیر

تو مرا چون غروب روزی  
 که به آرامی در دل مغرب محو می‌شود، نظاره خواهی کرد.  
 غروبی که اندک اندک شب سیاهش با خود به اجبار خواهد برد.  
 شب سیاه، همتای مرگ، با سیاهی خود همه چیز را خاموش  
 کرده، خواهد پوشاند.  
 تو مرا چون سُرخی آتشی نظاره خواهی کرد.  
 که بر خاکستر شعله‌های جوانیش آرمیده است.  
 در بستر مرگی ست که می‌بایست برای همیشه خاموش گردد،  
 خاموش گردد از چیزی که بدان زمانی پرورش یافته بود.  
 تو این را نظاره می‌کنی که به عشقت نیز خواهد افزود.  
 تا به کسی عمیقاً دل ببندی که به زودی باید ترکش کنی...»

توضیح ساختار سونات ۷۳ از لحاظ شکل و محتوا:

الف. از لحاظ شکل، سونات شکسپیری (Shakespearean Sonnet) شامل چهارده خلط یا مصرع است. طرح قافیه سونات ۷۳ شکسپیر به صورت ABAB CDCDEFEFGG می‌باشد. براساس این طرح، سانت فوق به سه بخش چهار مصرعی و يك بخش دو مصرعی تقسیم می‌شود. دژانگلیسی هر بخش چهار مصرعی را «کواترین»



(invariant) به نام مرگ است که ژرف ساخت غزلواره قرار دارد و در رو ساخت آن مشاهده نمی شود. انتخاب ماهرانه این متغیرها از (مفهوم) ثابت و ترکیب آنها با یکدیگر سبب به وجود آمدن دو مصرع نهایی می شود که ساختار کل غزلواره را تشکیل می دهد.

بحث محتوا را زمانی می توان توسعه داد که ما با تأمل بیشتر به تصاویر موجود در چهار مصرعها نگاه کرده، سعی کنیم ارتباطها و مناسبتهایی میان آنها بیابیم. در تصویر چهار مصرعی اول آفت گرما وجود دارد، در دومی کاهش نور و در سومی کاهش گرما و نور؛ لذا، هر سه بخش چهار مصرعی، مضمون پیری را القا می کنند. همچنین آفت سال از بهار به پاییز در چهار مصرع اول با نزول روز از صبح به غروب در چهار مصرع دوم و با کاهش نور و گرما در چهار مصرعی سوم، با یکدیگر ارتباط و مناسبت پیدا می کنند.

الگوی دیگری که چهار مصرعی ها را به هم متصل و در واقع اصل توازن را در آنها برقرار می کند این است که در هر سه بخش اشاراتی در مورد جوانی و مرگ وجود دارد. در چهار مصرع اول شاعر پیر نگاهی به جوانی تازه شکفته در گذشته می اندازد، زمانی که پرندگان خوش الحان نغمه سر می دادند:

"Bare ruined choirs where late the sweet birds sang."

در چهار مصرع دوم، شاعر پیر نگاهی به آینده می اندازد و در انتظار مرگ خود است:

"In me thou see'st the twilight of such day  
Which by and by black night doth take away."

در چهار مصرع سوم، شاعر پیر نگاهی هم به جوانی و هم به مرگ می اندازد:

"In me thou see'st the glowing of such fire  
That on the ashes of his youth doth lie".

تابش آتشی که در آینده خاموش خواهد شد، بیانگر این است که رشد و زوال، توأمان مطرح شده اند. هر قدر تابش آتش طولانی تر باشد تا گرما و نور بیشتری تولید کند، خاکستر بیشتری حاصل خواهد شد. هر لحظه پیشرفت (تابش آتش که منجر به نور و حرارت می شود) بلافاصله لحظه مرگ (تولید خاکستر) را در پیش دارد. بنابراین شاعر پیر با به تصویر کشیدن افکار درونی خود و ارائه سه

(quatrain) و دو مصرع آخر را «فاینال کوپلت» (final couplet) می نامند. چهار مصرعها از لحاظ طرح قافییه از هم تفکیک می شوند و واحدهای جداگانه ای تشکیل می دهند. در این سونات، چهار مصرعها به وسیله تکرار «in me» در «in me behold»، «In me thou see'st» و «In me thou see'st» به یکدیگر متصل می شوند. دو مصرع آخر در مقابل چهار مصرعها، یعنی ۱۲ خط، قرار می گیرد. بنابراین، تقسیم بندی و اتصال چهار مصرعی ها و جدا افتادن دو مصرع آخر به ما کمک می کند که به مفهوم سونات راحتتر دست یابیم.

ب. از لحاظ محتوا و مضمون (theme)، سونات درباره زمان است که اثرات مخرب آن در صور و اوقات گوناگون در چهار مصرعی ها نمایان می شود. در هر چهار مصرعی يك تصویر (imagery) با جزئیاتش وجود دارد و در هر تصویر نیز يك استعاره (conceit) به کار رفته است. تصویر و استعاره بعید در چهار مصرعی اول عبارتند از: تصویر پاییز همراه با جزئیاتش که در آن نقاب با صدا (persona) شاعر پیر است که در استعاره بعید موجود در آن خود را به درخت بی برگی در يك منظره پاییزی تشبیه می کند، زمانی که او عمیقاً به جوانی از دست رفته خود فکر می کند و افسوس می خورد:

"Bare ruined choirs where late the sweet birds sang."

در چهار مصرعی دوم، تصویر و استعاره بعید بدین گونه است. تصویر غروب و ویژگیهایش. در این تصویر شاعر پیر خود را به غروبی در حال محو شدن در سیاهی شب، تشبیه می کند:

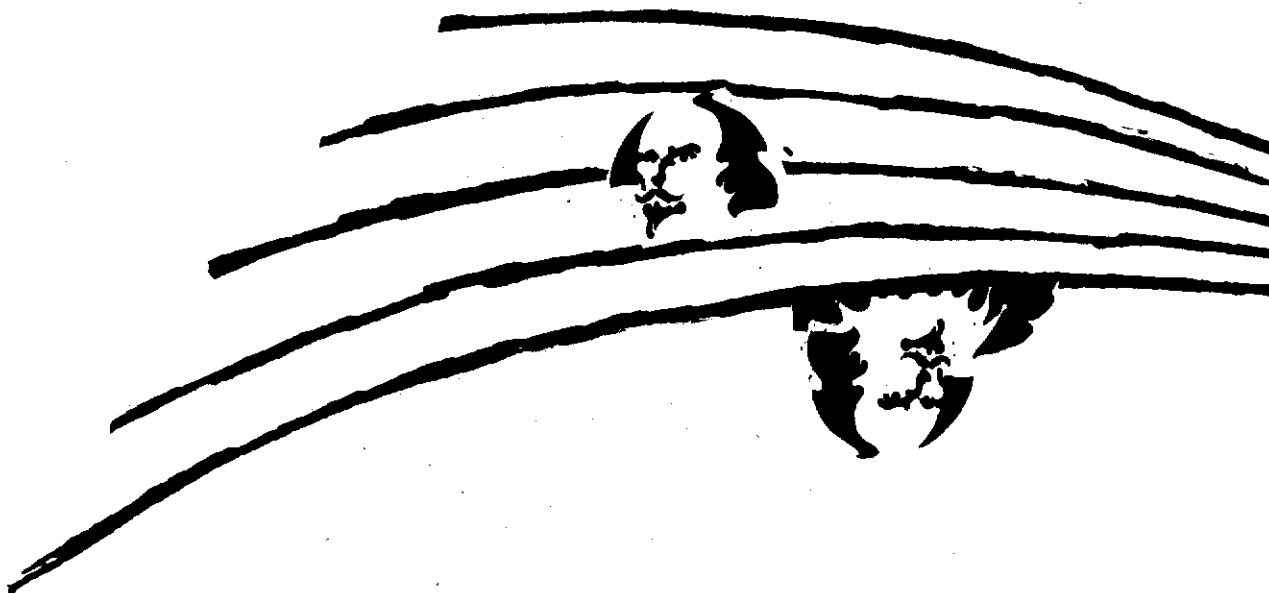
"In me thou see st the twilight of such day.

As after sunset fadeth in the west."

تصویر و استعاره بعید در چهار مصرعی سوم بدین گونه است: تصویر آتشی که رو به خاموشی است و شاعر پیر خود را به سرخی آن تشبیه می کند. که به زودی کاملاً محو خواهد شد:

"that on the ashes of his youth doth lie  
As the deathbed whereon it must expire"

بنابراین هر تصویر (image) یا هر استعاره بعید که در هر چهار مصرعی قرار دارد، در واقع متغیرهای (variants) يك مفهوم «ثابت»



عشق معمولاً پدیده‌ای بوده است که جوانی و نشاط، شور و احساس پیش از حد و فصل بهار را به همراه داشته است. در این سونات از طبیعت زنده و گونه‌های گلگون خبری نیست، بلکه به نظر می‌رسد که شاعر پیر در پس واژگان خود این مفهوم را القا می‌کند که معشوق او را به علت نزدیک شدن به مرگ، دیگر جذاب نمی‌یابد. لذا، دو مصرع نهایی بیشتر به صورت يك اتهام تلخ به معشوق نسبت داده می‌شود تا اینکه صرفاً به صورت يك درخواست عاجزانه مطرح گردد. شاعر پیر درحالی‌که دوران جوانی را طی کرده و در دوران پیری به رشد کامل خود رسیده، مسئله عشق را چنین مطرح می‌سازد که انسان در هر لحظه از عشق يك قدم که به جلو می‌گذارد در همان لحظه يك قدم به عدم نزدیکتر می‌شود تا به کلی خاموش گردد. نهایتاً، به نظر می‌رسد که شاعر پیر عشق را بدین علت در محدوده و تنگنای زمانی موجود قرار می‌دهد که به ارزش والای خود عشق بپردازد تا قدر و منزلت آن به راستی بیان شود و آشکار گردد، نه اینکه صرفاً آن را به صورت يك چیز گذرا توصیف کند.

مأخذ

Eastmann Arthur M., *A Short History of Shakespearean criticism*, 1968.

Titzmann, M., *Strukturelle Textanalyse*, Munchen, 1977.

Smith Hallett, *Elizabethan Poetry: A study in Conventions Meaning and Expression*, 1952.

Shakespeare William, *The Complete Works*, eds., Wells, S., Taylor, G., Oxford University Press 1991, p. 760.

\* این سونات، قبلاً در زندگینامه ویلیام شکسپیر (ترجمه اشعار: دکتر حسین الهی قمشه‌ای) در سال ۱۳۷۰ و نیز در کتاب درباره شعر (ترجمه خانم فاطمه راکمی) در سال ۱۳۷۳ ترجمه شده است.

تصویر متنوع، متصل و متناسب در چهار مصرعی‌ها به نوعی حالت دم را غنیمت شمردن (carpe diem) در دو مصرع نهایی دست می‌یابد.

واژه «این» (this) در دو مصرع نهایی به سه تصویر و استعاره‌های موجود در آن اشاره دارد و به عبارت دیگر، به تصویرسازی‌های شاعر پیر از خود برمی‌گردد که قبلاً درباره آن بحث شد. دو مصرع نهایی چنین است:

"This thou perceivest, which makes thy love more strong,  
To love that well which thou must leave are long."

شاعر پیر می‌خواهد از این برگشت نتیجه‌گیری کند. معنای دو مصرع نهایی با توجه به چهار مصرعیها چنین می‌شود: تو می‌بینی که من دارم پیر می‌شوم، بنابراین مرا بیشتر دوست می‌داری و تو دل به کسی می‌بندی که باید او را به زودی (برای همیشه) ترک کنی. جمله دل به کسی می‌بندی که باید او را به زودی ترک کنی دو مفهوم دارد. اولاً تو می‌بینی که من دارم می‌میرم لذا به من عشق می‌ورزی. ثانیاً این جمله می‌تواند خود يك مناظره منطقی (logical argument) باشد، بدین معنی که تو می‌بینی که من دارم می‌میرم لذا تو باید مرا دوست بداری و ترکم نکنی. این درخواست عاجزانه به وسیله به کار گرفتن فعل «leave» در وجه معلوم تشدید می‌گردد.

حتی می‌توان چنین تصور کرد که منظور شاعر پیر این است که معشوق می‌خواهد به طور ناگهانی او را ترک کند، چون او پیر است نه اینکه او بخواند معشوق را ترک گوید وقتی که بمیرد، زیرا فعل «leave» در معنای ضمنی (connotation) خود هم معنای «relinquish» (پس گرفتن ادعا) را می‌دهد و هم معنای «abandon» (کسی را برای همیشه ترک نمودن) را القا می‌کند. بنابراین، معنای دو مصرع نهایی به صورت درخواست ضروری شاعر پیر بدین گونه تشریح می‌گردد: من در آستانه مرگ قرار دارم لذا اگر می‌توانی ادعای خود را پس بگیر و مرا هرگز ترک مکن مگر زمانی که واقعاً ضرورت ایجاد کند (در هنگام مرگ).

لحن عاجزانه دو مصرع نهایی امکان بررسی بیشتر را نیز فراهم می‌کند. سؤال این است که آیا دو مصرع آخر طعنه‌آمیزند (ironic) یا خیر؟